

و هم چنین در حد و شوق و فتن و سرایت این حالت در حاضران
 بیشتر آن حدت قوت بهتر است لهذا که قوت بهیچ آفتوی نمی
 دیدار و زیاده بر آری این اعمال داین احوال بعضی صاحبان هم می کنند
 به نیتی از بیات نیک و این قدر آنها را که امانت نمی کردند کما لا یخفی
 و بسیاری از ساده لوحان را دیده اند که چون این اعمال را از شیخی
 فرا گرفته اند آنرا همین که امانت می دادند چاره کار آنکه کت حدیث
 مثل صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و کتب فقه حنفیه
 و شافعیه خوانند و عمل بر ظاهر سنت بهیچ گیرند اگر چه سخاوت در دل
 می شود تا حدی صادق که امانت فرماید و طلب این راه خالی شود کتاب
 عوارف و الآداب نماز و روزه و اذکار و مناسک و اوقات بهیچ گیرند
 و در مسائل فقهیه و در طریق بهیچ اگر در یاد داشت و این بزرگان
 این بر دیاب و ابوی روش نوشته اند که احتیاج بطنین بهیچ مرتبه می
 نماند چون کیفیت نور عبادت و کیفیت نسبت یاد داشت حاصل شد
 بر آن مواظت نماید اگر درین فرصت غریزی را در یاد که صحبت او
 مفتاح حدیث است و تأثیر صحبت او در مردمان و می گیرند مادی صحبت
 دارد تا آنکه حالت مطلوبه بماند که در دین از آن بجا نماند نشیند و بدان نمک
 مشهور باشد درین زمانه هیچ کس نیست الا ما شاء الله کس جمع

الوجه

الوجه کمال داشتند باشد اگر از یک وجه کمال دارد از وجه دیگر
 حاصلست پس همان کمال را باید حاصل کرد و از بجزای دیگر نظر باید بود
 خدا صفا و روح پاک و تاثر نوبت بعضی صوفیه نسبت کبری است
 در سوختن ایشان بهیچ نمی آید داین سخن بر سر وی که این خواهد بود
 امام اکبری فرمودند بر حسب آن باید گفت و برگرفته زید و عمر تفریح نمی
 باید کرد و صحبت دیگر آنکه در حق صحابه آنحضرت صلی الله علیه و آله
 و سلم اعتماد نیک باید داشت و زبان را بر زبان صاحب ایشان جاری
 نباید ساخت و درین مسأله و وصف خطا کرده قومی گمان می کنند
 که ایشان با هم سه صفت بودند هر که مشاجرات میان ایشان
 نگذاشته و این رسم حرف است زیرا که نقل مستقیم است بهیچ است
 بر مشاجرات ایشان و از کار این نقل مستقیم نمی توان کرد و قوی
 چون این جز باید ایشان منسوب دیدند زبان بطعن و این کشنده و در
 وادی هلاک افتادند و برین فیه و نجه اند که اگر به اصحاب محصور بودند
 و از بعضی عوام ایشان بمان که بجز نمی بود آید و باشد که اگر از
 دیگران مثل آن بود آید مورد طعن و جرح کرد و اما ما موردیم بگفت
 لسان از ایشان و ممنوع عجم از حسب و طعن ایشان بعد از این
 مصححی و آن مصححت آنست که اگر فتح باب جرح در ایشان شود